



# پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۹ ۲۵ اردیبهشت ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۱۵ می ۲۰۲۳ ترسای  
تلفنهای گروه نویسندگان و نگارش ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳



## مانده ایران

سخن انخیر رضا شاه دوم

یکی از برنامه های اصلی سفر اخیرم به دو کشور اسرائیل و ایتالیا بازدید از اماکن مذهبی در اورشلیم، حیفا و ایتیان با هدف رساندن این پیام به انخار عمومی، و رهبران دینی و سیاسی بود که کشور کهن ایران از چند هزار سال قبل، مهد آزادی ادیان و آیین های مختلف بوده است و پیروان ادیان و باورهای تاپیش از روی کار آمدن رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، آزادانه و با تساهل و مدارا در کنار هم زندگی می کردند. این رژیم از روز نخست، به جان و مال یهودیان، بهایان، مسیحیان، زرتشتیان، اهل سنت، دراویش، خدا ناهوران و حتی اکثریت شیعیان مخالف ولایت فقیه تعرض کرده. اما در ایران آزاد و سکولار فردا، حکومت قانون، ضامن آزادی مذهب و باورهای مردم خواهد بود و ایران دوباره به اصل خویش باز خواهد گشت.

# شاهزاده رضا پهلوی یا رضا شاه دوم

## اسداله نصر اصفهانی

مسافرت تاریخی شجاعانه و دلیرانه شاهزاده رضا پهلوی به اسرانیل نقطه عطفی بود در مبارزات ۴۴ ساله مردم دلاور و سرافراز ایران.

ملت بزرگ و سرافراز ایران پس از قتل مهسا امینی به جهانیان نشان دادند که این ملت، فرزندان پرافتخار یگانه انسان آزادیخواه و بشر دوست جهان در طول همه تاریخ، کوروش بزرگ می باشند. خفت و خواری که جمهوری اسلامی بر ملت ایران تحمیل کرده بود جوانان با طغیان بر پدران و مادران خود که در سال ۵۷ ننگ ابدی وجود جمهوری اسلامی قرون وسطایی را پذیرا شدند از دامن پاک و غرور آفرین تاریخ ده هزار ساله ایران پاک کردند و سرمشقی شدند برای مبارزان همه کشورهای درین اسارت استبداد های ایدئولوژیک در راستای کسب آزادی.

شاهزاده رضا پهلوی نیز که بیش از ۴۲ سال از بهترین سالهای عمرش را برای نجات ایران فعالیت می کرد در واقع با قدرتهای بزرگ جهانی در نبرد بود در اجرای خواست اکثریت ملت که به نظام پادشاهی باورمند هستند بیش از پیش قدم به میدان گذارد، گاهی تند و گاهی آهسته البته بیشتر تند وارد کارزار و میدان نبرد با جمهوری اسلامی شدند و با وجود کارشکنی ها و پشتیبانان جمهوری اسلامی که استعمار سیاه و سرخ آترابه ملت ایران تحمیل کرد با قدرت تمام عیار به مبارزه برخاست. جهان غرب و شرق که موجودی پلید ضد انسانی یعنی جمهوری اسلامی را خلق کردند طبیعی است که از این محصول وزاده اندیشه های استعماری و استثمار و آخوندیسم خود پشتیبانی کنند. شاهزاده رضا پهلوی برای رعایت دموکراسی متعارف که واژه کلامی بیش نیست و حتی در بیشتر کشورهای غربی به مفهوم واقعی آن و

آنگونه که برای استعمار و استثمار و استعمار به مردم جهان تلقین می کنند به مهره های معلوم الحال که با صرف مبالغ گزاف اعتبار و اعتماد کاذب به دست آورده بودند دست همکاری دادند. هر چند نتیجه آن از پیش معلوم بود و بدین گونه فرصتی فراهم شد که منشور نویسان بی مایه و مامور بیگانه ماهیت بی دانشی و بی مایگی و مامور بیگانه بودن خود را آشکار سازند. در نتیجه شاهزاده با درایت کامل با بیانیه ای تاریخی از این جماعت برانت حاصل کردند.

مسافرت شاهزاده رضا پهلوی در واقع نه بعنوان شاهزاده بلکه به عنوان پادشاه و رهبر و از جانب ملت انجام گرفت و با پشتیبانی ملت به برکناری رژیم متصرف عدوانی ایران خواهد انجامید و در تاریخ مبارزات ملت‌ها به یادگار خواهد ماند.

این پدیده منحصر به فرد از چند زاویه قابل پژوهش و بررسی است:

۱- شاهزاده نشان دادند که فرزند و نوه خلف دو پادشاه ایران‌ساز محمدرضا شاه و رضا شاه بزرگ هستند و به عنوان باورمند به نهاد شاهنشاهی و در اجرای مراتب و لیهودی خود یعنی ادامه سلسله شاهنشاهی در بزنگاه تاریخی و برهه تاریخی ایران زمین را از نیستی و نابودی نجات خواهد داد. عملکرد و سخنان بسیار هوشمندانه، خردگرایانه و ایران گرایانه همراه تسلط یگانه خود بر زبان و هنر سخنوری نشان داد که خود را در مقام پادشاه می بیند و وظیفه دار است که به عنوان پادشاه ایران زمین ملت بزرگ تاریخی ایران را در برابر بیگانگان و بی حرمتی آنها به ملت ایران محفوظ بدارد.

۲- اگرچه برای رعایت حداقل مراتب پادشاهی و بی طرفی برای همه باور های سیاسی و مذهبی از نظام جمهوری یاد می کند و برای آنها عملاً احترام قائل است ولی در این مسافرت به هیچ روی به عنوان رئیس جمهور حتی رئیس جمهور بالقوه عمل نکردند. زیرا برابری انتخاباتی ایشان رئیس جمهور نبوده و انتخاب نشده اند. درست است که از نظر تئوری هر رئیس جمهور پس از انتخاب شدن باید از همه ملت خود اعم از رای دهندگان به وی و مخالفان حمایت کند ولی در هیچ کشوری با نظام جمهوری این نظریه در عمل دیده نشده است. از این رومصراً تاکید می کنم که ایشان به عنوان پادشاه و پدر نماینده ملت سخن گفته اند.

۳- با توجه به باطل بودن قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر مبنای خدعه و تزویر برپا شده است و با توجه به اصل تداوم قانون اساسی مشروطیت که بارها از آن سخن رفته، شاهزاده رضا پهلوی در این مسافرت در نقش پادشاهی بر تداوم قانون اساسی مشروطیت مهر تایید زدند. با پذیرش تداوم قانون اساسی مشروطیت شاهزاده رضا پهلوی پادشاه بالقوه ایران زمین هستند و پس از براندازی بدون نیاز به انتخابات و رای گیری پادشاه خواهند بود ولی تا آن زمان به عنوان پادشاه بالقوه عمل می کنند. بیانیه طلایی و تاریخی ایشان که بر بی طرفی نسبت به گروه های سیاسی تاکید کرده اند نشانه عملکرد ایشان

به عنوان پادشاه است از این رو شایسته است همه میهن پرستان از این پس ایشان را رسماً رضا شاه دوم خطاب کنند.

پاسخ بسیار خردمندانه و دندان شکن ایشان به امضا کنندگان اسرائیلی که خواستند در امور ایران که منجر به جدایی طلبی میشود دخالت کنند یادآور سخنان شاهنشاه آریامهر به سردمداران غرب است که در مقابل رئیس جمهور آمریکاجرالد فورد به صراحت و برخلاف روش دیپلماسی کتبی یادآور شدند «ما هم انگشت خود را به سوی شما بر می‌گردانیم» یعنی دخالت در امور ایران موقوف.

۴- رضا شاه دوم بانواختن شیپور بیدار باش به رهبران به خواب رفته یا خود را به خواب زده غرب از سوی ملت اعلام کردند که ملت ایران دیگر به هیچ وجه حاضر نیست رژیم تحمیلی شما را بپذیرد و بیش از این مورد بی احترامی سردمداران کوته بین غرب قرار گیرد. در واقع قدرت نمایی پادشاه ایران رضا شاه دوم بود که سکوت دیپلماسی خود را شکست و با صراحت و شهادت بی مانند خود آنها را به چالش گرفت. از سوی ملت فریاد ملت بزرگ ایران را در سپهر سیاسی جهان سرداد که ایران صاحب دارودر برابر زورگویی استعمار و استحمار با تمام قوا می‌ایستد.

۵- این مسافرت پاسخ دندان شکنی بود به سیاست تجزیه طلبانه بخش صیehونیست اسرائیل که در زمان نخست وزیر مناخیم بگین به اوج خود رسیده بود این کشور عملاً ثابت کرد که پای بند اجرای هدفهای اساسی تشکیل کشور اسرائیل است و باید پیشتاز نیروهای نظامی در منطقه خاور میانه و تشکیل دهنده اسرائیل بزرگ باشد. در زمان پادشاه قدرت صیehونیستی اسرائیل وجهانی آن را مناخیم بگین به دنیا عرضه کرد. پس از آنکه شاهنشاه کمکهای شایانی به اسرائیل کرده بود و ظاهراً روابط دوکشوری بسیار حسنه بود ولی هنگامی که پادشاه باسیاسیت بسیار مدبرانه و باحوصله سیاسی وزیرکی تمام خود توانست نیروی هوایی شاهنشاهی ایران را به برترین نیروی هوایی منطقه تبدیل کند. مناخیم بگین چهره واقعی خود را نشان داد و تمام نیروی خود را در آمریکا بسیج کرد تا با آلوده کردن نام پادشاه تحویل هواپیماهای «آی وکس» را به ایران متوقف کند. نبردشاه و بگین هر

روز گسترده تر میشد و روزنامه های امریکا که از سوی یهودیان امریکا اداره میشد و هنوز هم میشود، باتبلیغات از شاه چهره ای ساختند که هر روز بوسیله ساواک چندین انسان بیگناه بقتل میرسند. همین سیاستی بود که از سوی سایمون وزیر خزانه داری امریکا در زمان کارتر برای جلوگیری از افزایش قیمت نفت و شکست پادشاه و آوردن خمینی صورت گرفت.

این سفر مشقت محکمی بود بر دهان مناخیم بگین (سرپرست شاخه نظامی صیehونیستها پیش از تشکیل دولت اسرائیل) و طرفدارانش در اسرائیل و فصل تازه و ستایش انگیزی است در راه دوستی و همدلی با همه طرفداران انسانیت که سرمشق آنها کورش بزرگ نوشته و منشور خود را برای جهانیان بیادگار گذاشته است.

شایسته است این موفقیت رضاشاه دوم را همه میهن پرسان به ایشان شادباش و تبریک بگویند.

نکته ای که بگونه فشرده شایسته مد نظر قرار دان ایشان است تشکیل مجلس موسسان پس از بر اندازی است که در نظر دارند از سوی مجلس موسسان چند قانون اساسی نوشته شود و به همه پرسى واگذار شوند. این کار یعنی بزرگترین اشتباه سیاسی رضا شاه دوم.

ایشان که عملاً خود را بر اساس تدام قانون اساسی مشروطیت پادشاه ایران معرفی کرده اند بنظر نویسنده نیازی به هیچگونه انتخابی ندارند و پادشاه و رضاشاه دوم هستند. در غیرایصورت هم طراز کوتوله ها و جغله های سیاسی خود بزرگ بین که فراوانند خواهند شد و باید با آنها به مقابله و رقابت انتخاباتی پردازند.

با پذیرش تداوم قانون اساسی مشروطیت شاهزاده رضا پهلوی خود بخود پادشاه ایران خواهند بود. البته با رعایت تشریفات مقرر در خود قانون اساسی مشروطیت کاستیهای آن بر طرف خواهد شد.

این بحث خود میتواند موضوع نوشتاری دیگر باشد.

پاپان

۱۹ آوریل ۲۰۲۳

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضاشاه دوم تهنات نجات ایران

# پایانده ایران ۱۰ اردیبهشت روز ملی خلیج همسنگی فارس بر ملت ایران خسته باد

خلیج فارس (شاخاب پارس) نام آبراهی پراهمیت در آسیای غربی و منطقه خاورمیانه است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه جزیره عربستان قرار دارد. مساحت خلیج فارس ۲۳۷'۴۷۳ کیلومتر مربع است و پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می آید.

روز ۱۰ اردیبهشت در ایران روز ملی خلیج فارس نام گذاری شده که سالروز اخراج پرتغالی ها از تنگه هرمز و خلیج فارس است.

برخی بر این باورند که نخستین کسی که تغییر این نام را از خلیج فارس به «خلیج عربی» به اعراب پیشنهاد کرد عبدالناصر رییس جمهور وقت مصر بود.

اما اولین بار سر چارلز بلگریو مستشار انگلیسی مقیم بحرین بود که برای مدت سی سال (از ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷)

مشاور حاکم بحرین بود و عملاً زمام امور بحرین را در دست داشت و این پیشنهاد را در دهه ۱۹۳۰ به مقامات عالی و مافوق خود در لندن نمود ولی پیشنهاد او از سوی وزارت خارجه بریتانیا و اداره مستعمرات لندن در آن زمان رد شد و مورد قبول واقع نشد (دشمنان بیکار نمی نشینند).

دومین تلاش در این مورد توسط انگلیسی دیگری بنام رود ریگ اون صورت گرفت وی در ظاهر از کارکنان بی اسم و رس مدار شرکت نفت ولی در عمل از اعضای ارشد طرح معروف MI6 در خاورمیانه بود. MI6 از سال ۱۹۱۱

علامت اختصاصی اداره جاسوسی نظامی انگلستان می باشد که پس از دهها سال جاسوسی در اختفا در سال ۱۹۹۴ موجودیت آن رسماً اعلام شد.

رود ریگ اون در کتابی که بنام (حباب طلایی) نوشت برای اولین بار از نام جعلی خلیج عربی استفاده کرد و از آن پس این نام جعلی بر سر زبان ها افتاد و بی آنکه کشور بریتانیا را به طور مستقیم در گیر نماید کشورهای عربی را در مقابل ایران قرارداد (همانگونه که هنوز اعراب به یاهو گویی های خود در تصرف سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی ادامه میدهند)

این کتاب در سال ۱۹۵۷ در لندن با ۲۵۵ صفحه منتشر گردید. در این کتاب نام و تصویر هفت شیخ نشین کویت، بحرین، مسقط، راس الخیمه، و شارجه، قطر،

ابوظبی، به سبک ماجراهای شبهای عربی نوشته شد. وبعد از آن بود که که جمال عبد الناصر به رویا رویی با ایران برخاست و چون داعیه رهبری جهان عرب را داشت و در مبارزات پان عربیسم خود به حمایت شیخ نشینان سواحل خلیج فارس به عنوان پشتوانه مالی برای کشورش احتیاج مبرم داشت به ترویج این نام ساختگی در میان عربهای ساحل نشین خلیج فارس کوشید.

( نویسنده یاد اور میشود همزمان با ادعای بی اساس عبدالناصر پان ایرانیستهای خوزستان در برابر ادعای مذبوحانه او بود که مردم خوزستان به زبان فارسی و عربی فریاد زدند ( خلیج فارس گورستان عبدالناصر خواهد شد) بعد از آن بود که خشم و اعتراض عمومی در میان فعالان اجتماعی، فرهنگی و احزاب و گروه های سیاسی در داخل و خارج از ایران نسبت به تحریف غیر علمی و تاریخی نام خلیج فارس بالا گرفت. بویژه از زمانی که موسسه نشنال جیوگرافیک که تا سال ۱۸۸۸م همواره در نقشه های خود نام خلیج فارس را بکار میبرد و یکبار در آبان سال ۱۳۸۳ نام جعلی جدیدی را بجای نام بین المللی خلیج فارس در جغرافیای جهانی برگردانده شده بود، با تغییر این نام بود که هزاران ایمیل و نامه اعتراضی و یک طومار اینترنتی (پتیشن) با بیشتر از ۱۲۰ هزار امضا به موسس «نشنال جیوگرافیک» که یک موسسه مشهور امریکایی بود فرستاده شد و این موسسه مشهور امریکایی ضمن عذر خواهی از ملت ایران قول داد اشتباه خود را جبران کند.

نتیجه اینکه سازمان ملل متحد در دو جلسه و طی دو سند رسمی بر نام خلیج فارس تایید و تاکید نمود. نخست در تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۱ طبق سند UNAD311Gen و بعد در تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۸۴ که در هر دو جلسه نمایندگان ۲۲ کشور عرب حضور داشتند و متن مصوبه را امضا کردند

این پیروزی ملی بعد از یک روند چندین ساله بود که بر اساس اسناد تاریخی و مکاتبات اعتراض امیز گروه ها و احزاب سیاسی و اساتید دانشگاه ها در رابطه با ثبت نام گذاری روز خلیج فارس بود که در سال ۱۳۸۳ با اولین همایش بین المللی کارتوگرافی روز ده اردیبهشت روز جهانی خلیج

فارس نامیده شد و این پیروزی نشان داد که با اتحاد می توان کارهای بزرگ کرد و از تخریب و جعل هویت یک ملت بزرگ جلوگیری نمود. رسانه های گروهی عربی بطور بی سابقه ای خبر را بدون تفسیر، منعکس کردند. قدس العربی به قلم عبدالباری عطوان مفسر مشهور جهان عرب نوشت:

«عربها برای مشروعترین حقانیت های خود قادر نیستند چنین موج همبستگی ایجاد کنند که ایرانی ها برای یک نام انجام دادند». پایان  
گرد آورنده :

# نظرات رسیده از داخل ایران

شورای نویسندگان

زهرا صفار پور - محمود احمدی

## در ادامه نظرات رسیده :

میخوانیم که در داخل ایران تعداد بسیاری می گویند انعکاس تند و شجاعانه در برخورد با امضای ۳۲ تن از نمایندگان چپ گرای مجلس اسراییل نسبت به دخالت در تمامیت ارضی ایران چنان تاثیری بر نهادهای دولت اسراییل گذاشت که با اعتراض وزیر اطلاعات اسراییل ۲۵ نماینده بسرعت امضای خود را پس گرفتند.

## نظر رسیده دیگری چنین است :

به اعتقاد آنها اکثریت مردم ایران شاهزاده رضا پهلوی رضا شاه دوم را میراث دار استقرار و دوام خاندان پهلوی در ۱۰۰ سال پیش به این سو میدانند.

جوانان داخل ایران که نگاهشان به تداوم مشروطیت است با دقت حرکت های شاهزاده رضا پهلوی را تعقیب می کنند، چنین می گویند :  
وزیر اطلاعات اسراییل اعتقاد دارد که: پهلوی تنها وضعیت ممکن و موجود ایران است، این سخن مثل پتک سنگینی بر سر ۵۷ ی ها فرود آورد، زیرا نشان می دهد که رضا شاه دوم پیش از آنکه پا به خاک ایران بگذارد، از سوی اسراییل و احتمالاً آن کشورهایی که می توانند آنها را متقاعد کنند، به عنوان رهبر آینده ایران به رسمیت شناخته شده است، همچنین تلاش های بی بی سی و رسانه های ایران ستیز ۵۷ ی ها و تیم های اطلاعاتی جمهوری اسلامی را بی ثمر کرده است.

# تداوم مشروطیت راه نجات ملی

سعید حمزوی

حکایت تاریخی درخشان و موفقی است که بقوت حقوقی و تاریخی باقی مانده و راه انسانی، سعادت ملی در عظمت احترام به حقوق بشر و با استناد به آزادی و برابری و اساس کاربر حاکمیت ملی متعلق بمردم است عملاً متکی به اصول طبیعی و آزادی را مروج و از آن پاسداری نموده است چرا چون در خود استوانه فرمان آزادی کورش را از ۲۵ قرن پیش در نهاد دارد. مکتب پر افتخار مشروطه ایران و پایه گذاران در آنزمان دوره روشنگری نمونه میهن دوستی و فداکاری کوشش بسیار کردند تا حکومت مبتنی بر قانون را از راه تفکیک قوا که در انحصار یک شخص نباشد بوجود آورند و باحمایت و خواست عمومی میتوانست عملی شود که شد از آنروز مسیر زندگی مردم راه سعادت و رفاه را پیمود و با همت مرد بزرگی چون رضا شاه کبیر، ایران صاحب اعتبار جهانی گردید. امروز ایرانیان به این باور رسیده اند که فقط با تداوم مشروطیت می توانند ایران را از خطر سقوط و تجزیه نجات دهند.

یک راهکار تاریخی است که با مشروطه میشود به عمر حکومت غیر قانونی مشروعه بموجب عملکرد ضد ایرانی و بشری به کارش خط پایان کشید ملت ایران بپا خواسته تا از بند اسارت رژیم جنایتکاری نجات یابد و میهن را از خطر نابودی و تجزیه برهاند .

در درس حکومت خواندیم با پیدایش مکاتب فکری و فلسفی مکتبی پیدا شد راهنمایی کرد و خوشبختی را برای مردم پارمغان آورد ، در مقابل مکتبی که زندگی مردم برایش اهمیتی نداشت، در حفظ قدرتی کوشید تا در کنارش جاه طلبی و مال اندوزی را از راه اعمال زور و تزویر بدست آورد .

بسیاری در این اندیشه به مکتب ماکیاوولی پیوستند و حاضر ند هر بهایی را بپردازند تا موقعیت بدست آورده را حفظ کنند با توسل و استفاده از ثقل و تهمت و افترا. راه ترقی با چنین زیر بنا، محکوم به فنا و نابودی است اگرچه توانسته باشد چند صباحی بر اریکه قدرت باقی مانده باشد تاریخ تلخ و شیرین گواه تداوم مشروطیت ایران است.

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضا شاه دوم تنها راه نجات ایران

# آغاز ساختن ایرانی آزاد

## ژاله دفتریان

پیش از هر سخنی می باید از بانوان و جوانان ایرانی سپاسگزاری کنم.

واژه ی سپاسگزاری گویای آنچه می خواهم بگویم، نیست. زیرا که تو ای بانوی ایرانی و تو ای جوان ایرانی من را به ایرانی بودنم سرفراز کردی.

تو ای بانوی ایرانی با برآوردن فریادهای آزادی خواهی، جهانی را به شگفتی واداشتی.

تو با آگاهی هایی که از تاریخ هفت هزار ساله ی ایرانزمین به دست آوردی، دانستی که شایستگی تو بیش از این است که آخوند بر تو فرمان براند.

در روزهای نخست برپایی جمهوری اسلامی، خمینی گجستگ، آن درنده خویی که سرچشمه ی زیست را از مردم ایران گرفت، به شما جوانان دل بسته بود.

دلبستگی او به شما از آنرو بود که گمان می کرد شما پیشبرنده ی اندیشه های پوسیده و پوکیده ی او خواهید بود. در حالیکه نمیدانست که شما فرزندان ایران هستید و ریشه در خاک و فرهنگ ایرانزمین دارید و هرگز با تفکر او همراه نخواهید شد.

این روزها بر همه روشن شده است که محمدرضاشاه پهلوی و پدرش رضاشاه بزرگ، این دو پادشاه ایرانساز، به درازی ۵۷ سال که بر ایران فرمان راندند، جز آبادانی کار دیگری

نکردند.

کار آبادانی ایران به جایی رسید که پایه و مایه ی نگرانی کشورهای خاوری شد. سرآمد آنانی که چشم نداشتند پیشرفت ایران را ببینند، امریکا بود.

در آن روزها مردی بادم فروش به نام کارتر، رئیس جمهور امریکا بود، او با هزار و یک ترفند و کلک، توانست، با بر سر کار آوردن خمینی گجستگ ایران آباد را به ویرانی بکشاند. در این زمینه هر چه گفته شود کم است.

خمینی گجستگ آمد و رفت. ولی بازماندگانش و آنهایی که سود خود را در ویرانی ایران و ناآگاهی ایرانی می بینند، از این خوان گسترده ای که به آن دست یافته اند، دست بردار نیستند.

شما ای زنان و شما ای جوانان ایرانی که در برابر آخوند درنده خوی و مکار و فریبکار به پا خاسته اید و فریادهای آزادی خواهی سرداده اید، شما می دانید خواهان چه چیزی هستید.

فریادهای آزادیخواهانه ی شما گوش فلک را هم کر کرده است. شما دختران و زنان ایران روی هر چه زن در جهان است را سپید کردید. فریادهای آزادیخواهانه ی شما گوش فلک را هم کر کرده است.

شما ای دختران ایران با به آتش انداختن روسری ها و لچک هایتان نشان دادید که شایسته ی آزادی هستید.

این نوشته را نوشتم تا به شما درود و هزار آفرین بگویم. دمتان گرم و راهتان پر رهرو باد.

آوریل ۲۰۲۳ ترسای

# مشروطه انقلابی برای پاسداری از سرملت یعنی شاه

محمد پورامانی از ایران

## تفاوت سلطان با پادشاه

برای چه بمیرند و چه آرمانهایی را می پرستیدند و چه کسانی به آن آرمانها احترام می گذاشتند .

ما کنترل زیادی بر روی حالمان نداریم اما می توانیم آینده مان را آنگونه که شایسته است با توسل به گذشته پربارمان بسازیم .

باید داستان ایران و مشروطه و شاهنشاهی را نوشت تا بدانیم که چرا مشروطه بالاترین واکنش ایرانیان در پانصد سال اخیر در برابر حوادث و رویدادهای تلخی است که بر سر این سرزمین آمده و چرا این قانون پایدار و زنده و برقرار است و باید تداوم یابد.

مشروطه از یک کشاکش کوچک بین تجار بازاری و دارالحکومه شروع شد و این کشاکش چون نیشتری

مقدمه ای بر انقلاب مشروطیت که منجر به نوشتن

قانون اساسی مشروطه پادشاهی شد تا پاسداری از

سر ملت یعنی شاهنشاهی تداوم یابد .

هیچ کس یا هیچ ملتی را خوشبخت به حساب نیاورید؛ تا عاقبت و سرانجامش هویدا گردد.

تا هنگامی که نفهمید یک نفر چگونه مرده یا یک تمدن به چه صورت نابود شده نمی توانید بفهمید که واقعا چه چیزهایی برای او و یا آن جامعه مهم بوده است. به چه چیزهایی اهمیت داده و یا حاضر بودند برای چه چیزهایی فداکاری کنند و حاضر بوده اند

بر دملی چرکین بود که با نابخردی نهادینه شده در دیوان سالاری قاجاریه سرباز کرد و تمامی حقد و کینه و سرکوفت سالها حکومت انیرانیان بر مردم سرافراز ایران را به صورت موجی در آورد تا منجر به انقلاب مشروطه شد از سالها پیش تلاشهایی برای یک رفرم در نظام حکومتی در میان نخبگان ایرانی وجود داشت. مانند اصلاحاتی در دیوان سالاری منحن قاجاریه به وسیله بزرگانی چون مشیرالدوله در زمان سلطنت ناصرالدین شاه چون تعیین هفت یا هشت وزیر برای امور مختلف ویا قبل از آن تلاشهای امیر کبیر و سایر بزرگان که به نتیجه نرسید تا سرانجام با ترور سلطان صاحب قران بدست میرزارضا کرمانی این مقطع پایان یافت. اما انقلاب مشروطه امری فراتر از این تغییرات و یا خواسته های جزئی بود، انقلاب مشروطه بر خلاف آنچه که بعدها در نظر برخی مهم جلوه کرد حرکتی بنیادین از سوی تحصیل کردگان غرب و ، وطن پرستان و خواستاران طلاق بین دیانت و سلطنت بود نه دموکراسی خواهی صرف؛ یعنی مشروطه خواهان نه تنها به دنبال مردم سالاری مجرد و بی پشتوانه و نیل به ساختاری مانند جمهوریت نبودند بلکه مهم ترین خواسته آنها تغییر سلطان با شاه و پاسداری از سپر ملت ایران یعنی شاه و گذاردن او در جایی بدور از آماج سیاست ورزی های حکومتی بود. آنان می خواستند قانون حاکم گردد و با مسلوب الاختیار کردن شاه در بند قوانینی مترقی و حرکت وی در این چهارچوب ؛ هم از جایگاه بلند او حمایت شود و هم از ترک تازی های سلاطین جلوگیری کنند. دیگر خواسته آنها تشکیل یک مجلس ملی برای قانون گذاری و کنترل دولت و نیز تشکیل عدالت خانه یا دادگستری مستقل بود . مشکل بزرگ از همین جا رخ نمود: مردم مذهب زده و بی سواد و خدا ترس و مفلوک را چه به تعیین نماینده مردم، هرچه اربابان و اخوندهای کوچک و بزرگ در ولایات می گفتند همان را انجام داده و نماینده آنها در حقیقت نماینده ارباب و حاکم و آخوند آن ولایت بوده و این امر در کوتاه مدت اصلاح شدنی نبود. پس مراجعه به آرای عمومی مهم ترین دغدغه مشروطه چیان نبود زیرا می دانستند رعیت ناآگاه فرسنگها با درک مردم سالاری نوین و پاسداری از رای شخصی خود در برابر تطمیع یا تهدید اربابان

و زورمداران منطقه ای فاصله دارند پس نوک انقلاب و فشار را بر شاه نمودند سلطان حاکم و تشکیل عدالت خانه مستقل و تشکیل یک مجلس شورای ملی به صورت نیمه انتخابی برای وضع قوانین گذاشتند. شاید متوجه نشوید که منظور من از شاه کردن سلطان چیست؟ همان گونه که قبلا توضیح داده ام شاه با سلطان تفاوتی بنیادین داشته و شاه در نظر ایرانیان یعنی بزرگ ،نماینده خدا ،آبادگر و سپر ملت در برابر انیرانیان ،صفتی که سلاطین قاجار به کلی فاقد آن بودند.

## به فرازی از سخنان محمد علی شاه سلطان

### قاجار توجه کنید تا بدانید یک سلطان چگونه

#### می اندیشید

ظل الله خشمگین فریاد می زد:

خون جواب آزادی است، رعیت را چه به سرکشی، رعیت را چه به استنطاق صاحب قران، رعیت را چه به فریاد حق طلبی!؟.

ماییم که آبرو می دهیم، ماییم که مالک ایرانیم، ماییم... رعیت غلط می کند اعتراض کند، غلط می کند مطالبه حق کند، غلط می کند دیوان مظالمه بخواهد، غلط می کند نظارت کند، غلط می کند قدرت ما را محدود کند، غلط می کند مشروطه بخواهد، غلط می کند خلاف روس تزاری باشد، غلط می کند دل باخته غرب باشد، غلط می کند متحصن در زاویه شاه عبدالعظیم شود، غلط می کند متحصن به سفارت خانه اجنبی شود...

ملت غلط می کند ما را نخواهد...

سایه ماست که آرامش می دهد، امنیت می بخشد، نعمت ارزانی می دارد، دفع بلا می کند.. سایه ماست، نه رعیت.

ملت را چه به آزادی، مشق مردم سالاری می کنند. مصلحین، فریاد قانون می زنند، خدا لعنت کند یوسف خان مستشارالدوله بی شرف را، که قانون قانون می کرد در این مملکت...

به جهنم که نان ندارید

به جهنم که کار ندارید

به جهنم سرپناه ندارید

به جهنم که آزادی ندارید

به جهنم که آب ندارید

به جهنم که جوانانمان درگیر آفیون اند

به جهنم که زنان تن فروشی می کنید

به جهنم

همین که سایه مان بر سر شما رعیت است کافی است  
آخر الزمان است؛ شاه شاهان را محکوم می کنند  
به دروغ گویی، محکوم می کنند به خرافه پرستی،  
محکوم می کنند به دست اندازی به بیت المال،  
محکوم می کنند به دیکتاتوری، محکوم می کنند به  
زد و بند، محکوم می کنند به چپاول، محکوم می  
کنند به عیاشی  
رعیت غلط می کند مارا که زینت کشوریم محکوم  
کند؟

ما که سایه خداییم دوست داریم ظلم کنیم،  
دوست داریم ذخائر طبیعی مملکت را به اجنبی تحفه  
دهیم، دوست داریم تمام امور کشور را به بستگان  
مان بسپاریم، دوست داریم هر آن چه که به میل  
مان است انجام دهیم...  
رعیت گوسفند و ما شبانیم.  
به خدای احد و واحد قسم  
دستور دادیم به قزاق ها هر که نافرمانی کرد امانش  
ندهند، هر که اعتراض کرد پوست اش را کنده، گاه  
پر کنند، هرکس را که خواست بیاندیشد؛

محبوسش کنند هرکس که خواست در افکارش به ما  
ناسزا گوید؛ معدوم اش کنند دستور دادیم هر که به  
خیابان بیاید، هر که شعار دهد، هر که معترض شود،  
هر که قانون بخواهد، هر که مطالبه آزادی کند،  
مهمان اش کنند به گلوله...

ما رعیت سربریز می خواهیم، ما رعیت بله قربان گو  
می خواهیم، ما رعیت کر و کور می خواهیم...

**ما رعیت می خواهیم، همین و بس.**

این جا ممالک محروسه ایران است و ما هم قبله  
عالمیم و پرچمدار عدالت و پاکی...

هر کس نمی خواهد بسم الله، ازین مملکت برود؛ شما  
رعیت لیاقت سروری ما را ندارید...

بروید از خاک ما بروید ای بی لیاقتان مجوس.

**محمد علی شاه قاجار**

طهران، ۱۲۸۷ ش

سروران توجه کنید به سخنان یک سلطان و آیا  
هیچگاه از شاهان پهلوی همچنین سخنانی شنیدید؟

**این است تفاوت بین سلطان و شاه**

ادامه دارد



**شورای بازپس گیری ایران زمین**

**میجنگیم میمیریم ایران را پس میگیریم**

آدرس ایمیل شورا [bazpasgiri1401@gmail.com](mailto:bazpasgiri1401@gmail.com)

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>



پاینده ایران  
در دایره پادشاهی پهلوی  
خشیار از ایران ، شیراز

پیام کورش ایران سراسر  
پراز آزادی و شاهکار ست  
وطن شمعست و من پروانه او  
که جان دادن به راهش افتخارست  
شهنشاهی درون پان ایرانیم  
جدایی ناپذیر و ریشه دارست  
بدون شاه قانون مرگبار ست  
شهنشاهی چراغ شب تار ست  
اگر ایران شود آزاد و آباد  
همیشه جشن و شادی برگزارست  
شهنشاهی کند پاینده ایران  
که ایرانی همیشه تاجدار ست  
ز کورش و ز منشورش بیاموز  
که کورش نزد گیتی شهریارست  
پیام کورش ایران سراسر  
بهارست و مرام روزگار ست  
چو بسیارند مهساها و یوتاب  
رخ پیروزی ما آشکار ست

شهنشاهی به میهن سازگارست  
در ایران چند هزاره استوارست  
ز جمشید و فریدون یا دگار ست  
برای میهنم خد متگزار ست  
مرامش بهر میهن آشکار ست  
زاو میهن همیشه پایدارست  
به ملت او همیشه برقرار ست  
وطن را چون یکی آموزگار ست  
درون میهن من ریشه دارست  
ز فرهنگ و تمدن مایه دارست  
به میهن خدمت او بیشمارست  
اگر آشفته بازار ست میهن  
نیازش رستمی با کارزار ست  
ز درد میهنم او غمگسار ست  
بود یکسر سکولار و دموکرات  
شهنشاهی دایم چون بهارست  
همیشه جشن و شادی برگزارست  
زاو پایدگی ها پایدار ست

پیام نامه شماره ۹ شورای باز پس گیری ایران  
شماره ۹ ۲۴ اردیبهشت ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۱۵ می ۲۰۲۳ ترسایی  
تلفنهای گروه نویسندگان: ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴  
نوشتارهای این شماره:

- ۱- سخنان اخیر رضا شاه دوم
  - ۲- شاهزاده رضا پهلوی یا رضا شاه دوم
  - ۳- روز ملی خلیج فارس
  - ۴- نظرات رسیده از ایران
  - ۵- تداوم مشروطیت
  - ۶- آغاز ساختن ایرانی آزاد
  - ۷- مشروطیت انقلابی
  - ۸- سروده ای درباره پادشاهی پهلوی
- اسداله نصر اصفهانی  
بانو صفار پور  
شورای نویسندگان  
سعید حمزوی  
ژاله دفتریان  
محمد اورامانی از ایران  
خشایار از شیراز



رضاشاه روح‌ت‌شاد

ولیعهد کجایی به دادایایی

کشور که شاه‌نذاره حساب و کتاب‌نذاره